

ملکم خان و خطوط آدمیت

کاظم استادی

مقدمه

کتاب نمونه خطوط آدمیت، نوشته میرزا ملکم خان ناظم الدوله، یکی از قدیمی‌ترین کتاب‌های چاپ سربی است که البته در ایران منتشر نشده است. این اثر با وجود حجم بسیار کم، جزء اولین و بهترین کتاب‌هایی است که پیرامون معایب خط فارسی و اصلاح و تغییر خط نوشته شده است. متأسفانه به سبب برخی از مصالح یا محدودیت‌ها، تاکنون به این کتاب، در چهل سال اخیر، پرداخته نشده است.

شاید یکی از کارهای پر ارج ملکم، کوشش‌هایی است که درباره پیراستن الفبا نموده و از پیشگامان این راه شناخته می‌شود. طبق شواهد تاریخی، پس از صد سال از آنکه، چاپ سربی از اروپا، وارد استامبول ترکیه شد، این ایده، یعنی اصلاح الفبای خط عربی^۱، در آنجا و به طبع آن در تقلیس و سال‌ها بعد (۱۳۰۴ش) در ایران، ایجاد شد. میرزا ملکم خان با فتحعلی آخوند زاده، دوست بوده و با او نامه‌نویسی داشته^۲ است او در کار پیراستن الفبا از آک‌ها و برداشتن کمی‌های آن با او هم‌دست و هم‌داستان بوده است.^۳

۱. خط فارسی، ترکی، کردی و اردو تابع خط عربی بودند و از آنها نیز به خط عربی یا خط اسلام یاد می‌شده است.
 ۲. دو نامه از آخوند زاده در این باره به دست آمده است که اصل آنها به فارسی است و در باکو نگهداری می‌شود.
 یکی به تاریخ ۱۸۷۰ و دیگری به تاریخ ۱۸۷۱ است.

۳. موافقان اصلاح یا تغییر خط به سه گروه عمده تقسیم می‌شوند. گروه اول، ایرانیان و گاه غیر ایرانیانی که در خارج از کشور بوده‌اند و نسبت به این موضع، فعالیت داشته‌اند. آنها بیشتر در استامبول یا تقلیس ساکن بوده، به نشر مقالات و نوشته‌های خود می‌پرداخته‌اند که ملکم خان از آن جمله است. گروه دوم، کسانی که تحصیلات و مسافرت‌های خارجی داشته‌اند و اکثراً از شاگردان، دوستان یا متأثرین از گروه اول هستند. گروه سوم، نویسندگان و ادبایی که داخل کشور بوده‌اند و به طبع جنجال‌هایی که پس از فعالیت‌های گروه اول و دوم ایجاد شد، به موضوع

ملک‌م‌خان برای پیشرفت اندیشه‌های خود درباره الفبا، کتابچه‌های چندی به نام مبداء ترقی و گفتگوی شیخ و وزیر^۱ در استامبول^۲ نوشته و بعدها، با الفبای اختراعی و تازه‌ای که خود پدید آورده بوده، چند کتاب، از جمله گلستان سعدی، اقوال علی، خطوط آدمیت و ضروب امثال^۳ را در سال ۱۳۰۳ قمری در لندن چاپ و پراکنده و سال‌ها برای پیشرفت آرزو و این آرمان خود کوشیده است.^۴

نوشتار حاضر، شامل شش مطلب پیرامون این کتاب و نویسنده آن است که عبارتند از: معرفی نویسنده، معرفی نسخه، معرفی متن، برگردان اصل متن از خط ملک‌م‌خان به حروفچینی مرسوم کنونی، جمع‌بندی و منابع.

معرفی نویسنده

درباره میرزا ملک‌م‌خان ناظم‌الدوله، مطلب بسیار گفته شده، چه علیه او و چه له او. در این مقاله چون قصد داریم تنها پیرامون کتاب نمونه خطوط آدمیت او بحث کنیم، مجال آن نیست تا کامل و دقیق به زندگی و آثار او بپردازیم. برای اطلاع بیشتر از زندگی و شرح حال او می‌توانید به منابع و مقالات دیگری که به زندگی و آثار او پرداخته‌اند، مراجعه فرمایید.^۵ اما مختصری از شرح حال او چنین است:

تولد و تحصیلات

ملک‌م‌خان در سال ۱۲۴۹ هجری قمری مطابق با ۱۲۰۴ خورشیدی، در قصبه جلفا^۶ اسپهان، در خانواده‌ای متوسط زاده شد. پدرش میرزا یعقوب، سنگ‌تراشی از ارامنه جلفای اصفهان بود، که به قولی اسلام آورده بود. وی مترجم سفارت روس بود و با دانش اروپایی آشنایی داشت و زبان فرانسه را می‌دانست.

اصلاح یا تغییر خط پرداخته‌اند.

۱. گویا زمینه آن از گفتگوی خود او با شیخ‌الاسلام استامبول پدید آمده است.
۲. استامبول، به عنوان یکی از مهم‌ترین منازل تجدد ایران در امتداد کاروان تجدد غرب، واسطه ارتباط ایران با دنیای غرب بود که ایرانیان مقیم استامبول با افکار تنظیمات در عثمانی آشنا شدند و زمینه‌های انقلاب مشروطیت ایران را فراهم آوردند. بایبوردی، حسین، تاریخ پناهندگان ایران از خارج به ایران و از ایران به خارج، تهران، نشر وحید، ۱۳۴۹.
۳. این کتابچه شامل مثل‌های ترکی است.
۴. ذکاء، یحیی در پیرامون تغییر خط فارسی، ص ۴۸.
۵. ر.ک: به کتاب‌های میرزا ملک‌م‌خان، زندگی و کوشش‌های سیاسی او از اسماعیل رائین، نشر صفی‌علی‌شاه؛ ملک‌م‌خان از حامد الگار، نشر مدرس زندگی و اندیشه میرزا ملک‌م‌خان ناظم‌الدوله حجت‌الله اصیل، نشر نی؛ تحقیق در افکار میرزا ملک‌م‌خان ناظم‌الدوله از فرشته نورایی، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی و مجموعه آثار میرزا ملک‌م‌خان از محمد محیط طباطبایی، کتابخانه دانش ۱۳۲۷.
۶. ملک‌م‌خان نامی توراتی است. در کتاب اول پادشاهان باب یازدهم، آیه پنجم نوشته شده است: پس سلیمان در عقب عشتورت خدای صیدونیان و در عقب ملکوم رجس عمونیان رفت. ملک‌م‌خان خود را با کاف مضموم می‌نوشت. ر.ک: اصیل، حجت‌الله زندگی و اندیشه میرزا ملک‌م‌خان ناظم‌الدوله، تهران، نشر نی، ۱۳۷۲، ص ۱۲.
۷. اکنون از محله‌های اصفهان است

ملکم‌خان خود تصریح می‌کند که پدرش او را در دهسالگی برای تحصیل به پاریس فرستاده است.^۱ وی در آنجا به مدت هشت سال در آموزشگاه پلی تکنیک، تحصیل کرد و حکمت طبیعی و مهندسی آموخت و در ۱۲۶۷ق به ایران بازگشت.^۲

فعالیت‌های

او از هجده تا ۷۲ سالگی - که در فرنگ رخت از جهان برکشید- بیش از نیم‌قرن به فعالیت فکری و سیاسی پرداخت.

ابتدا وقتی به ایران بازگشت، مترجم دولت شد و به کار مترجمی در سفارت‌خانه‌های ایران در کشورهای بیگانه و سفارت ایران، آلمان و هلند برگزیده شد.^۳ چندی بعد، پس از تأسیس دارالفنون، ملکم به عنوان معلم حساب و هندسه در آنجا به تدریس پرداخت.^۴ وی بارها برای مأموریت‌های سیاسی به اروپا سفر کرد. در ۱۲۷۳ همراه فرخ‌خان امین‌الملک برای مذاکرات صلح با دولت انگلیس به پاریس رفت. در ۱۲۷۵ق. اولین خط تلگرافی را در ایران احداث کرد. در همین اوان (از ۱۲۷۵ تا ۱۲۷۷ق) بود که برای نخستین بار در سنین بین ۲۶ تا ۲۸، رساله‌ای به نام دفتر تنظیمات (کتابچه غیبی) در اصلاح طرز حکومت ایران به شاه عرضه داشت.^۵

در همین دوران، وی با همراهی تعدادی از محصلین، فراموش‌خانه را جهت اهداف اصلاح‌طلبانه، به شیوه اروپایی در سال ۱۲۷۶ق بنیان گذاشت؛ چون معتقد بود که راه پیشرفت ایران، پذیرش نظام حکومتی غرب است.^۶

ملکم، در ۱۲۷۸ق. مورد خشم ناصرالدین شاه قرار گرفت و مطرود شد. با تعطیلی فراموش‌خانه، به بغداد تبعید گردید.^۷ پس از تبعید به عراق، با پادرمیانی میرزا حسن خان مشیرالدوله، مورد عفو قرار گرفت و سفیر ایران در مصر شد. پس از انتصاب میرزا حسن خان مشیرالدوله به سمت وزرات امور خارجه و سپس صدارت عظمی، ملکم خان نخست به عنوان مشاور وی و سپس به سمت سفیر ایران در انگلیس منصوب شد. گفته شده میرزا ملکم خان به دلیل دریافت چهل هزار لیره رشوه به تهران احضار شد که از آمدن امتناع کرد و این بار نیز با پادرمیانی دوستانش، پنج سال دیگر سمت سفارت خود را حفظ کرد. در همین دوران،

۱. برخی گفته‌اند که وی با بورس تحصیلی در رشته مهندسی به فرانسه فرستاده شد. رک: بهارستان، س ۴، ش ۱۳.
۲. ذکاء، یحیی، در پیرامون تغییر خط فارسی، ص ۴۶ و آدمیت، فریدون، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، تهران، سخن، ص ۹۴ - ۱۰۰
۳. ذکاء، یحیی، در پیرامون تغییر خط فارسی، ص ۴۷
۴. آدمیت، فریدون، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، ص ۹۴ - ۹۵
۵. همان.
۶. همان.
۷. زندگی ملکم، چند تاریخ برجسته در زندگی ملکم، ص ۱۷۸.

وی مقدمات اعطای امتیاز رویتر را فراهم کرد و به شاه پیشنهاد داد که برای تأمین مخارج سفر سوم خود به اروپا، امتیاز لاتاری را به یک شرکت انگلیسی بدهد که به دلیل مخالفت‌هایی در ایران، این امتیاز داده نشد و موجب آبروریزی برای شاه شد و میرزا ملک‌م‌خان نیز برای همیشه از چشم شاه افتاد.^۱ پس از مرگ ناصرالدین شاه و در دوران مظف‌الدین شاه، میرزا ملک‌م‌خان به عنوان سفیر به رم فرستاده شد و تا پایان عمر، یعنی در سال ۱۹۱۸ میلادی، در این سمت باقی ماند. او در همان‌جا در گذشت^۲ و در سویس به خاک سپرده شد.

شاید بتوان گفت ملک‌م‌خان نیز همانند برخی از شخصیت‌های تاریخی، جامع‌اضداد است. عده‌ای در ستایش و تمجید، او را بالا برده‌اند و پاره‌ای هم به تنقید و تقبیح و ناسزا اکتفا نکرده، با صفت خائن از او یاد کرده‌اند، اما می‌توان او را بانی و بنیان‌گذار گفتمان تجدد و پدر مشروطه ایران دانست.^۳ زندگی پرفراز و نشیب ملک‌م‌خان، به اندیشیدن در اوضاع و احوال ایران و راه و روش اصلاح آن گذشت. او حتی در آخرین روزهای زندگی و در بستر بیماری نیز از اندیشیدن و نوشتن باز نماند، چنان‌که در آخرین بحث خود درباره اصلاح امور ایران، ضمن شرحی در تاریخ ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶، یعنی تقریباً دو ماه قبل از مرگش از بستر بیماری به وزارت امور خارجه نوشت: «این طرح تازه، کلید نجات ایران خواهد بود.»^۴

دوران روزنامه‌نگاری

ملک‌م‌خان در دورانی که مورد غضب شاه ایران واقع شده بود، نخستین شماره روزنامه قانون را در اول رجب سال ۱۳۰۷ هـ.ق منتشر کرد.^۵ بیشتر خوانندگان قانون، از فارغ‌التحصیلان و محصلان دارالفنون بودند.^۶ چند شماره از قانون با همکاری کسانی در کنار ملک‌م‌خاسته شده‌است، از جمله این کسان، سید جمال‌الدین اسدآبادی است.^۷

از این روزنامه، امروز ۴۱ شماره به جا مانده است. ملک‌م‌خود می‌گفت که چهل، پنجاه شماره منتشر کرده است.^۸ ملک‌م‌خ در این روزنامه به نظام حکومتی قاجار با لحنی تند، انتقاداتی وارد می‌کرد. این نظام را استبدادی می‌دانست و معتقد بود باید سیستم حکومتی تغییر کند؛^۹ به همین دلیل، انتشار این روزنامه با

۱. صادقی‌نیا، ابراهیم، فراماسونری و جمعیت‌های سری در ایران، ص ۲۴ - ۲۵.
۲. همان.
۳. کرمانی، ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران، امیرکبیر، ص ۱۱۷ و ۱۲۱.
۴. آدمیت، همان، ص ۹۹، نامه ملک‌م‌خان به فریدالملک.
۵. روزنامه قانون، تهران، کویر، ۱۳۶۹.
۶. اکبری، محمدعلی، چالش‌های عصر مدرن در دوران قاجار، ص ۹۷.
۷. روزنامه قانون، به کوشش هما ناطق، مقدمه ص ۶ و ۷.
۸. همان، ص ۴ و ۵.
۹. روزنامه قانون، نشر کویر، تهران ۱۳۶۹.

محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی از سوی حکومت ایران مواجه بود.^۱ روزنامه قانون با وجود مخالفت حکومت، به دست خوانندگان می‌رسید. برای برخی به صورت مستقیم، به نشانی خودشان ارسال می‌شد و برای پیروان ملک‌خان و افراد فراموش‌خانه به صورت محرمانه، فرستاده می‌شد.^۲ انتشار قانون هشت سال طول کشید. ملک‌خان با انتشار این روزنامه، چهره روشنفکری آزادی‌خواه و هوادار حکومت قانون به خود گرفت، به طوری که داستان سوءاستفاده مالی وی، به فراموشی سپرده شد.^۳

آثار

از میرزا ملک‌خان، آثار نوشتاری فراوانی به صورت رساله، مقاله، گزارش و نامه باقی مانده است که جز نوشته‌های چاپی، تنها حدود هشتاد دست نوشته خطی از وی در فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران، فهرست شده است.^۴ در این آثار، اگرچه از موضوعات متنوعی سخن رفته، سخن اصلی و مضمون مشترک آنها، تجدد و ترقی خواهی برای ایران است.

نخستین بار هاشم ربیع‌زاده، یک سال پیش از مرگ ملک‌خان در سال ۱۳۲۵ قمری، اقدام به جمع‌آوری و تدوین برخی از رساله‌های او کرد و با عنوان کلیات ملک‌منتشر نمود.^۵ بعد از او، محمد محیط طباطبائی نیز دوازده رساله ملک‌خان را با عنوان مجموعه آثار میرزا ملک‌خان در سال ۱۳۲۷ شمسی انتشار داد.^۶ علاوه بر این دو مجموعه، برخی دیگر از آثار ملک‌خان در پاره‌ای از نشریات انتشار یافته بود تا اینکه اخیراً کتاب رساله‌های میرزا ملک‌خان ناظم‌الدوله انتشار یافت. این کتاب، حاوی ۲۵ رساله و سه رساله دیگر منسوب به وی است که در مجموع، همه وجوه اندیشه ملک‌خان را در حوزه‌های گوناگون در برمی‌گیرد. این ۲۵ رساله با توجه به موضوع هر یک، در شش بخش به شرح زیر دسته‌بندی شده‌اند:^۷

- بخش ۱: نظام قانونی، سازمان حکومت و مدنیت نو:** دفتر تنظیمات (کتابچه غیبی)، رفیق و وزیر، مجلس تنظیمات، دستگاه دیوان، دفتر قانون، ندای عدالت، اشتهارنامه اولیای آدمیت، مدنیت ایرانی.
- بخش ۲: اقتصاد:** اصول ترقی، مذاکره درباره تأسیس بانک، امتیاز فواید عامه.
- بخش ۳: سیاست:** پلتیکای دولتی، مرو و ترکمان.
- بخش ۴: اجتماع:** اصول مذهب دیوانیان، گفتار در رفع ظلم، مسائل مختلف.

۱. اکبری، محمد علی، چالش‌های عصر مدرن در دوران قاجار، ص ۹۷.

۲. راثین، اسماعیل، میرزا ملک‌خان، ص ۱۱۳.

۳. زندگی و اندیشه میرزا ملک‌خان ناظم‌الدوله، ص ۴۶.

۴. البته داخل این نوشته‌های خطی، دست‌نوشته‌هایی تکراری با عناوین مختلف یافت می‌شود و برخی از آنها، نامه‌های وی هستند. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: درایتی، مصطفی، فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران، ج ۱۱، ص ۱۲۱۶.

۵. هاشم‌زاده، کلیات ملک‌خان، ج ۱، ص ۲، مطبوعه مجلس ۱۳۲۵.

۶. طباطبائی، محمد محیط، مجموعه آثار میرزا ملک‌خان، تهران ۱۳۲۷.

۷. اصیل، حجت‌الله، رساله‌های میرزا ملک‌خان ناظم‌الدوله، تهران، نشر نی، به نقل از نصرالله صالحی.

بخش ۵: فراموشخانه و جامع آدمیت: فراموشخانه، اصول آدمیت، حجت، مفتاح، توفیق امانت.

بخش ۶: الفبای جدید:

۱. شیخ و وزیر: ملک‌م‌این کتابچه را در ۱۲۸۷ ق. نوشت و نسخه‌ای از آن را برای آخوندزاده به تفلیس فرستاد که با استقبال او روبرو گشت. موضوع کتابچه، بحث و گفت‌وگو درباره کاستی‌های الفبای رایج در کشورهای اسلامی و ضرورت اصلاح آن است که گویا زمینه آن از گفتگوی ملک‌م‌با شیخ‌الاسلام استامبول پدید آمده است.

۲. مقدمه گلستان سعدی (۱۳۰۲ق): مقدمه‌ای است که ملک‌م‌با خط جدید خود بر گلستان سعدی نوشته و در آن درباره ضرورت اصلاح خط فارسی و عربی بحث کرده است.

۳. معایب خط ملکمی: رساله کوچکی است در بیان امتیازات خط ابداعی ملک‌م‌نسبت به الفبای موجود فارسی.

۴. مبدأ ترقی.

۵. ن م و ن ه خ ط و ط ا د م ی ی ت: ملک‌م‌خان، این کتابچه را درباره الفبای جدید خود نوشته و آن را در ۱۳۰۳ ق. با الفبای اصلاح شده خود، در لندن چاپ کرده است که موضوع مقاله ماست.

معرفی نسخه

کتاب نمونه خطوط آدمیت، پرداخته ناظم الدوله (ملک‌م‌) در مطبعه ترقی، لندن به سال ۱۳۰۳ قمری مطابق با ۱۲۶۳ هـ. ش و ۱۸۸۳ م، در ۶۱ صفحه با حروفچینی سربی منتشر شده است. قطع کتاب رقیعی است و چاپ آن نسبت به اکنون نیز با کیفیت و بسیار تمیز است. حروف آن خاص خود این کتاب طراحی شده است، بنابراین صفحات دارای سطرهای نامنظمی از جهت تعداد هستند و بیشترین تعداد سطر در برخی از صفحات آن ۱۵ سطر است؛ همچنین برخی صفحات تنها دارای دو سطر هستند. نمونه خط ملک‌م‌به گونه‌ای است که فاصله سطرها باید زیاد باشد، بنابراین تعداد صفحات نسبت به متن ارایه شده بسیار زیاد است، به طوری که با حروفچینی امروزی، متن کتاب خطوط آدمیت، حداکثر بیست صفحه خواهد شد.

متن کتاب با این جمله در صفحه اول آغاز شده است: «اگر تا نخوانید، هر چه در این باب بفرمایید ناقص است».

و با جمله «باید ترقی‌پرست شد و باید این ترقی را از الفبا شروع کرد»، پایان می‌یابد.

از این کتاب چندین نسخه در کتابخانه‌های کشور یافت می‌شود که نسخه ما مربوط به کتابخانه دانشگاه مفید قم است.

همراه این کتاب و بین برگ‌های آن، اعلامیه‌ای نیز وجود دارد که در آن نوشته شده است:

اعلان

گلستان شیخ سعدی و چند رساله فارسی و عربی و ترکی عثمانی^۱، به همین خطوط چاپ شده. هر کس طالب و مشتری آنها باشد، رجوع نماید به آقا محمد طاهر، مدیر روزنامه اختر در اسلامبول.

معرفی متن:

این کتاب به جهت حروفچینی خاص، حائز اهمیت است، چرا که برای چاپ آن تلاش و هزینه بسیاری صورت گرفته است و شاید تنها الفبای اختراع ایرانی باشد که چندین کتاب به سبک آن منتشر شده است. متن این کتاب بسیار خلاصه، به چند نکته مهم و چند سؤال در خط و الفبا پرداخته است. ملک‌چهار نکته را در الفبا و خط الزامی می‌داند تا آن خط بتواند در آموزش آسان باشد. نکته اول در قواعد خط که در آن سه قاعده الزامی را در خط و الفبا بر شمرده است.

۱. تعداد حروف باید با تعداد صداهای مستعمل در زبان برابر باشد، نه بیشتر نه کمتر.

۲. همه صداها در نوشتار ضبط شود.

۳. شکل حروف حتماً با هم متفاوت باشند و این تفاوت به راحتی قابل تشخیص باشد.

دومین نکته، شرط رواج است که شامل دو ملاحظه است:

ملاحظه اول: اینکه در باب سواد، بتوانند هر تصرفی را در خط، بدون درس تازه، به درستی بخوانند.

ملاحظه دوم: خط باید نزدیک و مطابق قواعد حسن خط باشد.

و نکته سوم: جدانویسی

او منبع جمیع مشکلات خط را در اتصال حروف می‌داند و عقیده دارد که با اتصال حروف، هیچ نوع اصلاحی در خط ما ممکن نیست. این نظر او چنان قوت داشت که حتی آخوندزاده را نیز متقاعد کرد که حروف الفبا باید جدانویس باشد و آخوندزاده بر مشکل اساسی خط خود که هنوز متصل نویس بود، اعتراف نمود.

نکته چهارم این کتاب

ملک‌خان اصرار دارد که باید حتماً اعراب کلمات در نوشتن حروف ذکر گردد، چرا که بدون اعراب، هر سطر را به تصور هر نوع اعراب می‌توان به هزار قسم خواند.

در پایان این کلمات، به بیست سؤال پیرامون خط خود پاسخ می‌دهد.

قبل از مطالعه متن اصلی، تذکر این نکات لازم است: شماره صفحات اصلی کتاب ملک‌چهار، داخل قلاب ذکر شده است و سعی شده متن ارائه شده، همانند متن اصلی کتاب باشد، بنابر این «گ» ها در این نوشته همه به صورت «ک» است.

۱. اقوال علی، خطوط آدمیت، ضروب امثال (این کتابچه مثل‌های ترکی است).

اصل متن

روی جلد: نمونه خطوط آدمیت، پرداخته ناظم الدوله (ملکم)، لندن، مطبع ترقی، ۱۳۰۳.
اگر تا آخر نخوانید هر چه در این باب بفرمایید ناقص خواهد بود. [۱]

[مقدمه]

هر کس این خطوط را می‌بیند صد قسم اعتراض بخاطرش می‌رسد. بحث اغلب بر شکل حروف است. مثلاً می‌گویند: چرا شکل دال این قدر کوچک است، چرا فلان دایره خوشکل نیست، چرا فتحه را راست کرده‌اید، چرا فلان نقطه را باقی گذاشته‌اید. [۲]

دلیل همه این‌ها بعد معلوم خواهد شد، عجالتاً بدانید که مقصود از این اصلاحات خیلی بالاتر از شکل حروف است. منظور اصلی ما تربیت قواعد قرائت است، پس از حصول این معنی شکل حروف بهتر از آنچه تصور بفرمایید مکمل و مطبوع خواهد شد. [۳]

شکل خطوط قدیم ما در نظر ما هر قدر مستحسن باشد قواعد خواندن آنها زیاده از وصف مشکل است. مشکلات خطوط قدیم در کتابچه‌ای دیگر مفصلاً بیان شده است، بجهت رفع آن مشکلات و تکمیل الفبای ما، باید اول مشخص نماییم که معنی حسن خط کدام است. [۴]

[نکته اول: قواعد خط]

حسن خط مبنی بر قواعد مخصوص است.

قاعده اول

در تلفظ یک زبان هر قدر صدا استعمال می‌شود باید در الفبای آن زبان نیز همان قدر حرف باشد. در زبان عرب سی و یک صدا هست، پس باید در الفبای عرب نیز اقل سی و یک حرف باشد. [۵]

از برای تلفظ ترکی چهل صدا لازم است پس الفبای ترکی هم باید چهل حرف داشته باشد. هر صدا باید فقط یک حرف، یعنی یک شکل داشته باشد. هر حرف، یعنی هر شکل، باید دلالت فقط به یک صدا بکند. مثلاً: کاف فارسی و کاف عربی و کاف ترکی نباید با هم مشتبه بشود. واو «والا» و واو «مسرور» نباید مثل هم باشند. [۶]

قاعده دوم

آن علامته‌ای کوچک که عرب حرکت و اعراب می‌گوید و دیگران حروف صدادر می‌نامید، باید همه آنها در جای مخصوص خود مثل سایر حروف نوشته و چاپ بشوند. این حروف صدادر در هیچ صورت [و] هرگز نباید ترک یا حذف بشوند. [۷]

قاعده سوم

شکل حروف را باید طوری ترتیب داد که بقدر امکان از همدیگر فرق داشته باشند و در هیچ صورت

با هم مشتبه نشوند و در عمل چاپ بقدر قوه آسان و روشن باشند. فرق حروف را نباید به نقطه قرار داد. مثلاً: ب ت ث پ ن ی نباید یک شکل داشته باشند. ج خ چ نباید مثل هم باشند. [۸]

در خطوط ما هر نوع شکل معوج و بی‌ربط استعمال می‌شود. اشکال حروف باید به قدر امکان ساده و هم جنس باشند. حروف باید مرکب باشند فقط از خط مستقیم و دایره صحیح. عرض و طول جمیع حروف باید بهم دیگر متناسب باشند. [۹]

وضع و قطر و نازکی هر حرف باید با وضع و قطر و نازکی حروف دیگر متوازی باشند. جای حروف باید معین و ثابت باشد. نه این که هر حرفی به اقتضای حروف قبل و بعد بالا و پایین برود.

خطوط چاپ باید از خط تحریر جدا باشد. زیرا که آن محسناتی که از برای سرعت تحریر لازم است خیلی فرق دارند از آن محسنات دیگر که بجهت ساخته و چیدن و خواندن حروف چاپی لازم می‌شود. [۱۰]

حُسن و کمال خط در هر زبان باید مبنی باشد باین سه قواعد، که ذکر شد. به هزار دلیل بر ما واجب است که این قواعد را در خط ما مجرا بداریم. اجرای این قواعد در خطوط ما موقوف به یک شرط بسیار مهم و بسیار حتمی است. [۱۱]

[نکته دوم: شرط رواج]

شرط مزبور که اسمش را شرط رواج می‌گذاریم از این قرار است.

در اصلاح خط ما هر تصرف جزئی و کلی که به خاطر ما می‌رسد، باید طوری باشد که از یک طرف خط ما را نزدیک و تابع آن قواعد بسازد و از طرف دیگر ارباب سواد بتوانند با وصف آن تصرفات، بدون درس تازه آن خط تازه را به درستی بخوانند.

در باب این شرط رواج باید خیلی دقت کرد، زیرا که بدون رعایت این شرط جمیع خیالات و اهمات در باب اصلاح خط به هدر خواهد رفت. [۱۲]

اگر شما در خط ما تصرفی نمائید که بسیار صحیح باشد، ولیکن معنی آن را بدون تعلیمات شما در سایر بلاد اسلام نفهمند، زحمت شما بی‌ثمر خواهد بود. [۱۳]

هر علامت تازه که بر خط ما بیافزائید و هر نقطه‌ای که بخواهید از حروف ما کم بکنید باید اول بسنجید که آیا مطابق اصول آن سه قواعد هست یا نه، و آیا در اسلامبول و اصفهان و بخارا خوانده خواهد شد یا نه، اگر عمل شما مطابق قواعد موضوعه نیست.

پس یک عیب تازه بر عیوب قدیم افزوده‌اید و اگر اختراع شما با آن قواعد مطابق است اما از برای فهمیدن و استعمال آن مجتهدین و وزرا و منشی‌های ما باید بنشینند و درس تازه یاد بگیرند، یقین بدانید که خیال شما هرگز معنی و رواجی نخواهد داشت. [۱۴]

جمیع تغییراتی که در این خط مشاهده می‌فرمائید، مبنی بر دو ملاحظه فوق است، یعنی از یک طرف سعی کرده‌ایم که خط ما را بقدر امکان نزدیک و مطابق قواعد حسن خط بسازیم و از طرف دیگر مواظب بوده‌ایم که آنچه می‌کنیم طوری باشد که ارباب سواد بدون درس تازه بتوانند به درستی بخوانند. [۱۵]

فلان حرف را چرا فلان طور تغییر داده‌اید؟ به جهت این که می‌خواهیم موافق آن سه قاعده اصلاح بشود.

فلان حرف را چرا فلان طور تغییر نداده‌اید؟ بعلمت این که خلاف قواعد مزبوره می‌شد. [۱۶]
شکل این حروف را چرا بیش از این‌ها به اصول آن قواعد نزدیک نکرده‌اید؟ به علت این که اگر شکل حروف را بیش از این‌ها تغییر می‌دادیم ارباب سواد نمی‌توانستند از پیش خود بخوانند و آن وقت عمل ما خلاف شرط رواج و زحمت بی‌فایده می‌شد.
فلان حرف را اگر فلان طور بنویسید و فلان قرار را اگر بفلان طور تغییر بدهید، بهتر خواهد بود؟ اگر این خیال شما مطابق قواعد مزبوره و موافق آن شرط رواج باشد، البته به منت قبول خواهد شد. [۱۷]

[نکته سوم: جدا نویسی]

قواعد و نکات حسن خط معلوم شد. از برای این که بتوانیم خط ما را به اصول آن قواعد تطبیق نمائیم، قبل از هر تغییر باید اول حروف چاپی را از همدیگر جدا بسازیم. [۱۸]
منبع جمیع مشکلات خط ما در اتصال حروف است. با اتصال حروف هیچ نوع اصلاح در خط ما ممکن نیست. با جدایی حروف جمیع معایب خط ما خود به خود رفع خواهد شد. با اتصال حروف، اعراب را به هیچ طور نمی‌توان داخل کلمات ساخت. با جدایی حروف دخول، اعراب در میان کلمات خیلی سهل و امر طبیعی خواهد بود. [۱۹]
حروف را باید جدا کرد.
با اتصال حروف دفع نقطه‌ای حروف ممکن نیست، با جدایی حروف دفع نقطه‌ها بسیار سهل خواهد بود.
حروف را باید جدا کرد.
با اتصال حروف بجهت چاپ یک صفحه ششصد شکل لازم است. با جدایی حروف بجهت چاپ هر کتاب، فقط چهل شکل کاملاً کافی خواهد بود. [۲۰]
حروف را باید جدا کرد.
با اتصال حروف شخصی که می‌خواهد تحصیل سواد بکند، باید چندین هزار شکل یاد بگیرد و از برای ارتباط آنها چندین سال معطل بشود. با جدایی حروف هر کس سی چهل شکل یاد بگیرد صاحب سواد خواهد بود. جدایی حروف هیچ خللی به سواد ما و به دین ما و به کمالات ما نمی‌رساند.
حروف را باید جدا کرد. [۲۱]

[نکته چهارم: اعراب داخل حروف]

چرا اصرار دارید که اعراب داخل حروف بشود؟

زیرا که قرائت ممکن نیست مگر با اعراب. آن نوشته که اعراب نداشته باشد یک نوع رمزی است که استخراج و استعمالش یک عمر می‌خواهد. بدون اعراب هر سطر را به تصوّر هر نوع اعراب می‌توان به

هزار قسم خواند.

آنچه از روی معلومات خود به حدس و قرائن بخوانید، آن قرائت نخواهد بود. [۲۲]
قرائت آن است که خواه بفهمید و خواه نفهمید موافق یک قاعده معین مجبوراً و یقیناً و صراحتاً بخوانید.
باید جمیع اعراب را بدون استثنا، حکماً در میان کلمات مثل سایر حروف نوشت و چاپ کرد.

این مضامین را چرا به خطوط مختلف چاپ کرده‌اید؟

می‌خواهیم بنمائیم که پس از اصلاح اصول خط، صورت حروف را هم می‌توان به اقسام مختلف اصلاح کرد بی آن که از برای خواننده زحمت تازه وارد بیاید. [۲۳]

چه عیب دارد که اعراب را مثل سبک قدیم بر بالا و در زیر کلمات بنویسید؟

اگر اعراب را مثل سبک قدیم بر بالا و در زیر حروف بگذاریم عموم آنها سهو و حذف می‌شوند، چنان که در جمیع کتب ما شده‌اند. [۲۵]

فتحه و کسره ما را بچه جهت این طور راست کرده‌اید؟

به جهت این که باید با سایر حروف متوازی باشند. فتحه و کسره و ضمه باید از بالا و زیر خطوط به تدریج داخل میان سطر و مثل سایر حروف چاپ بشنود و اگر به سبک قدیم کج بمانند در میان حروف نامناسب و مایه اغتشاش می‌شود.

راست بودن فتحه و کسره بدون هیچ ضرر، دخول اعراب و تناسب حروف را سهل می‌کند. [۲۴]

پس چرا در این جا باز در بالا و در زیر حروف چاپ شده‌اند؟

مقصود ما در ابتدای عمل فقط انفصال حروف است. در سایر اصلاحات، چندان عجله نیست. همین که فی الجمله چشم خواننده بر جدائی حروف عادت کرد، آن وقت می‌توان به تدریج اعراب را داخل حروف ساخت، چنان که در این نمونه‌ها نیز جسته داخل شده‌اند. [۲۷]

باید اعراب حکماً مثل سایر حروف، در وسط سطر و در میان حروف چاپ بشوند. [۲۶]

فتحه و کسره‌ها را در بعضی جاها به یک علامت کوچک فرق داده‌اید، معنی آن فرق چیست؟

کسره عربی و فارسی و ترکی، اگر چه بر حسب صورت یکی هستند، اما در تلفظ خیلی فرق دارند. مثلاً لفظ اسلام و اصفهان را عرب‌ها و ترک‌ها مثل اهل فارس تلفظ نمی‌کنند. می‌خواهم طوری بشود که این اختلاف موقوف بمیل و حدس خواننده نباشد. اگر کسره عربی است، مثل عرب بخوانند، و اگر ایرانی است مثل ایرانی بخوانند.

فرق این (ا) و این (آ) و این (ا) و این (آ) چیست.

آن الف و آن لام که خوانده می‌شود این طور می‌نویسیم (الف) و آن الف و لام که خوانده نمی‌شود این طور (الف).

آن الف و لام که خوانده نمی‌شود چرا می‌نویسید؟

به علت آن که نمی‌خواهیم به املائی قدیم خللی برسانیم. [۲۹]

چرا بعضی از معایب املا را هم در این ضمن اصلاح نمی‌کنید؟

معایب املا دخلی به اصلاح الف با ندارد. من می‌گویم با این الف‌ها هر چه بخواهید می‌توانید بدرستی بنویسید. ولیکن اگر املائی ما بگوید من می‌نویسم ضربوا، خواجه، موسی، تو بخوان ضربو، خاجه، موسا، این اغتشاش دخلی به خط من ندارد. [۳۰]

رفع معایب املا علی‌الخصوص در زبان ترکی البته لازم است، اما نباید این مسئله املا را به مسئله خط مخلوط کرد. همین قدر می‌گویم در ترتیب این خط، یکی از منظورات اصلی ما نیز اصلاح املاست، و اگر چه به املا دست نمی‌زنیم، ولیکن تغییرات لازمه را مخصوصاً طوری ترتیب داده‌ایم که بعد از این اصلاح، املا نیز لابد خود بخود بعمل خواهد آمد. [۳۱]

معنی بعضی فرق‌های دیگر که در میان حروف این خط مشاهده می‌شود چیست؟

الف الف را همیشه بالای سطر می‌نویسیم، و الف مکسور را پایین سطر، این طور (الف). (الف). الف همزه را این طور (ه). و چون صدای الف همزه و فتحه، بعینه یکی است شکل آنها را هم بهم دیگر این قدر نزدیک می‌کنیم، که آخر یکی بشود. [۳۲]

واو ساکن را همیشه این طور (و) می‌نویسیم مثل والا. واو صدادار را این طور (و) مثل برودت. و چون این واو صدادار با ضمه عربی هیچ فرقی ندارد شکل این دو حرف را کم مثل هم قرار می‌دهیم. واوها، که در فارسی و ترکی استعمال می‌شود، این طور (و) می‌نویسیم مثل (و). (و). (و). [۳۳]

دقایق این همه تغییرات را کدام معلم بیان خواهد کرد؟

جمع اشکالات مسئله، در همین سؤال شماس است. اگر ما به یک خط کامل، کتابی چاپ بکنیم و از برای خواندن و بیان دقایق آن خط لازم باشد که همراه آن کتاب همه جا یک معلمی روانه بکنیم، بدیهی است که عمل ما لغو خواهد بود. [۳۴]

بجهت اصلاح خط ما، اول شرط ما این است که هر چه می‌کنیم طوری باشد که معنی آن، همه جا بدون امداد معلم فهمیده بشود. و این شرط اصلی در این اصلاحات کاملاً رعایت شده.

جمع این اصلاحات را طوری کرده‌ایم که هر شخص باسواد بدون امداد هیچ معلم و بدون احتیاج به هیچ بیان خارجی، معنی همه این اصلاحات را از پیش خود خواهد فهمید.

«سؤال»

معنی این حرف درست معلوم نمی‌شود؟

اصلاح خط بدون جدائی حروف چرا باید ممکن نباشد، و با جدائی حروف چرا باید خود به خود بعمل بیاید، تحقیق این سؤال شما خیلی واجب است، فرض بفرمائید که می‌خواهید در خط قدیم شکل «جیم» یا شکل «ه» را تغییر بدهید، [۴۲]

چون این حرف جیم با ششصد شکل دیگر متصل می‌شود به سبب تغییر همین یک حرف جیم، لابد باید آن ششصد شکل دیگر هم تغییر بکنند، و ساخت این ششصد شکل، اقلأً چهار پنج هزار تومان خرج دارد و بعد از آن که از برای فقط آن حرف جیم این ششصد قسم شکل را تغییر دادید، در آخر کار خواهید دید که زحمت و مخارج شما بکلی بی حاصل بوده است، زیرا که تغییر ارتباط آن ششصد شکل هر قدر هم جزئی باشد وضع کلیه خط چنان تغییر خواهد کرد که هیچ یک از ارباب سواد قادر خواندن آن نخواهد بود؛ [۴۳] چنان که یکی از فضایی قفقاز، از روی یک ملت پرستی بی‌مثال، هست و نیست خود را وقف اصلاح خط ما کرد، ولیکن چون خواست، اتصال حروف را حفظ بکند، ارتباط حروف و صورت کلمات به طوری تغییر یافته، که هیچ کس نتوانسته خط تازه او را بخواند؛ پس از صرف عمری، وقتی این خطوط را دید فی‌الغور به یک همّت و اصرار تازه اعلام کرد که با اتصال حروف هیچ نوع اصلاح ممکن نیست و باید حکماً حروف را از همدیگر جدا کرد. در جدائی حروف هیچ شکل تازه نمی‌تواند خللی بسایر شکل‌ها برساند. [۴۴]

مثلاً اگر شما بخواهید حرف دال این خط را تغییر بدهید با دو سه تومان مقصود شما بعمل خواهد آمد و حرف تازه شما هر قدر هم تازگی داشته باشند چون بر وضع سایر حروف هیچ تغییری وارد نمی‌آورد، ارباب سواد بدون چندان معطلی خواهند خواند.

با جدائی حروف هیچ شکلی که ناقص باشد باقی نخواهد ماند، زیرا که تغییر آن خیلی سهل خواهد بود. [۴۵]

چنان که در چاپ خانه‌های فرنکستان هر روز موافق یک سلیقه تازه شکل و شیوه حروف را اصلاح می‌کنند، بی آن که از برای خواننده بقدر ذره‌ای اشکال بمیان بیاید. خطوط ما نیز با جدائی حروف همان حالت را پیدا خواهند کرد.

شکل حروف ما باقتضای حسن سلیقه عامه، روز بروز کامل‌تر خواهد بود بی آن که هیچ زحمت و تحصیل تازه از برای ارباب سواد لازم بیاید. [۴۶]

این‌ها همه صحیح‌اما در باب خط تحریر چه باید کرد؟

در خط تحریر همین حروف را یا هر حروف دیگر که می‌پسندید، بنویسید؛ اما طوری بنویسید که حروف جدا جدا باشند و دیگران بتوانند بخوانند.

۱. منظور، فتحعلی آخوندزاده است.

حروف را چطور می‌شود جدا جدا نوشت؟

همین طور که بعضی مضامین را مجبوراً به هر خطی که دارید، جدا جدا می‌نویسید. [۴۷]
مثلاً؛ در دوران داوود آه و زاری زُور روح و دل دارای آن اوان را درد آورد، آواز و اُراد داوود درد دل آن داور را در دو روز دوا و روح زُور را از آزدن زور اُوران آن اوان آرام داد.
مثل دیگر؛ داور روزی ده، در روز ازل، آدم را روح و ادراک و اراده آزاد داد و در ازای دل و زاری او از روی رأی رأوف دل او را در ازدواج زن و رزق او را در زرع ارض و روان او را در درود رب ودود آرام و دوام داد. [۴۸]

«بحث»

اگر بخواهیم جمیع کلمات را این طور جدا جدا بنویسیم، تحریر ما خیلی مشکل خواهد شد؟ متصل نوشتن در خط قدیم ما دویست مرتبه مشکل تر است و شما یاد گرفته‌اید. شکی نیست که به جهت سرعت تحریر، اتصال حروف واجب است؛ ولیکن این را هم محقق بدانید که اگر همین حروف را جدا جدا بنویسند، بواسطه کثرت استعمال حروف بهم دیگر وصل می‌شوند، و شرط سرعت تحریر خود به خود بعمل خواهد آمد. [۴۹]
بدیهی است که اتصال حروف در تحریر باید از روی یک قرار معین باشد، که شکل و وضع و جای هر حرف، همیشه ثابت باشد؛ نه اینکه در ابتدا و در وسط و در آخر کلمه و به اقتضای حروف قبل و بعد، هم صورت و هم جای خود را به صد قسم تغییر بدهد. [۵۰]

کاش از برای آن قسم اتصال حروف هم که در تحریر جایز می‌دانند، یک نمونه می‌ساختید؟ ساخته‌ام بعد خواهید دید. اما حقیقتاً حیف است که ما این قدرها معطل این فروع مسئله بشویم؛ بعد از آن که سد ترقی خط ما را، یعنی اتصال حروف را، شکستیم و اصول آن سه قاعده را قبول کردیم، فروع عمل به حکم یک قانون طبیعی درست خواهد شد، چنان که در میان سایر ملل درست شده است. [۵۱]
این خط حاضر با همین حالتی که دارد، سهل تر و جامع تر از جمیع خطوط دنیاست. این خط از جمیع خطوط دنیا نزدیک تر است به قواعد اصلیه قرائت که به تفصیل بیان شد. این خط به جزئی اصلاحات صوری که آن هم یقیناً خود به خود حاصل خواهد شد، اکمل خطوط دنیا خواهد بود. [۵۲]

از برای این خط هر قدر هم محسنات ثابت نمائید مردم هرگز قبول نخواهند کرد؟

همه مشکلات مطلب و همه اهمات ما این بوده که این خط محتاج قبول دیگران نباشد. اگر ما یک خط بسیار کاملی اختراع می‌کردیم که رواج آن موقوف به قبول مردم می‌شد، عمل ما حاصل نمی‌داشت. [۵۳]
غرابت و صعوبت خیال ما این بوده که خط ما را طوری اصلاح بکنیم، که مردم خواه تصدیق بکنند و خواه نکنند، بتوانند بخوانند، و این مقصود ما کاملاً بعمل آمده است.
با این خط هر کتاب با معنی که چاپ بکنیم در بخارا و در اصفهان و در اسلامبول خواه بپسندند و خواه

نپسندند، خواهند خواند و همین خواندن از برای مقصود ما کافی است؛ زیرا که ما از مردم چیزی نمی‌خواهیم مگر این که هر چه با این خط چاپ بشود، بتوانند بخوانند.[۵۴]

«مسأله بزرگ»

شما که در ترتیب این خط این همه زحمت را کشیده‌اید به جهت رواج آن چه تدبیر خواهید کرد؟ از این فرمایش شما معلوم می‌شود که معنی اصلاحات ما را هنوز درست ملتفت نشده‌اید، اختراع یک الفبای تازه، کار سهل و در یک ساعت ممکن بود، سبب این که ما بیست سی سال معطل این خط شدیم، همین مسئله رواج است،[۵۵] آن مشکلات بزرگ که در هر ملک مانع رواج یک خط تازه بوده، همه را در نهایت ملایمت به طوری رفع کرده‌ایم که امروز رواج این خط نه مدارس مخصوص لازم داد نه درس تازه، نه زور دولتی و نه فتوای امام.

مسئله رواج در حقیقت حل شده، زیرا که این خط را بدون هیچ درس تازه همه جا می‌خوانند. کاری که باقی مانده این است که کتب ما را به تدریج با این خط چاپ بکنند و چون چاپ کتب با این خط خیلی سهل‌تر و بهتر و ارزان‌تر از خط قدیم[۵۶] خواهد بود، روآسای چاپ خانه، همین قدر که از پیشرفت خط و از منافع آن فی‌الجمله مطمئن شدند، بیش از همه کس در ترویج آن اهتمام و اصرار خواهند کرد. و اگر از میان ارباب ذوق و طالبان ترقی، اشخاصی که قدرت دارند هر کدام یک کتاب کوچکی با این خط چاپ می‌کردند، بدون هیچ ضرر شخصی، در مدت دو سال این خط بیش از خطوط سابق در ممالک اسلام شیوع می‌یافت. اگر چه ترغیب و تقویت شیوع این خط راجع به عموم دولت خواهان است و می‌بایستی من از این زحمت تازه معاف باشم،[۵۷] ولیکن در خصوص این مقصود نیز مقدمات و اسباب زیاد حاضر کرده‌ام و امیدوارم که توفیق الهی، حسن نیت و دوام مساعی مرا بی‌ثمر نخواهد گذاشت.[۵۸]

از این حرف‌های دراز مقصود چیست؟

مقصود این است که خلق و دولت این مُلک باید ترقی بکنند. چنان مقصود، با الفبای شما حاصل نخواهد شد؟ ما نمی‌گوئیم به محض اصلاح الفبا، جمیع کارها درست خواهد شد، می‌گوئیم ترقی ما بدون اصلاح الفبا ممکن نیست. این الفبای شما کی بکار ما خواهد خورد، این الفبای ما شاید بکار شما و من نیاید اما عمر دول نسبتی به عمر من و شما ندارد،[۵۹] اگر اجداد ما از برای ما کار کرده بودند، حالت ما امروزه این طور نمی‌شد. ما باید از برای اولاد خود کار بکنیم. که چه بشوند؟ که آدم بشوند.

همین طور که هستیم چه عیب دارد؟

بی‌حسی و بی‌غیرتی لایق آدم نیست. شرافت خلقت انسانی، اینست که احاد ناس به حکم یک مأموریت آسمانی، باید هر روز و هر ساعت خود را کامل‌تر به سازند. کسی که طالب نیست، آدم نیست. [۶۰] اگر واقعاً ادعای آدمیت داریم، باید شب و روز در ترقی شخص خود و ملک خود و دولت خود بکوشیم. کهنه پرستی را باید منسوخ کرد. باید ترقی‌پرست شد. و باید آئین ترقی را از الفبا شروع کرد. [۶۱]

پایان کتاب

جمع بندی:

ملکم، عیوب خط فارسی را به خوبی شناخته است و به نکاتی پرداخته که اکنون نیز هر کارشناس خبره خط و زبان فارسی بخواهد پیرامون خط فارسی نظر دهد، لاجرم باید آن نکات را مطرح نماید. از مهم‌ترین این نکات، عدم جدانویسی در خط کنونی فارسی است. البته از خط فعلی ملکم، جدا از مزایای آن، دست‌کم سه اشکال می‌توان گرفت:

اول اینکه چون ملکم خان، هنرمند و طراح حروف نبوده یا دسترسی به متخصصین حرفه‌ای این فن نداشته، نتوانسته است حروف را با کرسی مشخص مربع یا دایره، طراحی کند؛ بنابراین از جهت فنی، زیبایی‌شناسی و حجمی، این حروف نمی‌تواند کارایی مناسبی از خود ارائه دهند و شاید تنها در دوره زمانی خود، می‌توانسته برخی از معایب خط فارسی را کاهش دهد، چراکه اکنون مهم‌ترین عیب خط فارسی، فنی نبودن آن، نداشتن کرسی منظم و عدم تطبیق با تکنولوژی روز است.

دوم اینکه ملکم - همان‌گونه که خود نیز اشاره دارد - در طراحی حروفش باید اعراب را نیز داخل حروف می‌آورده است تا مشکل اساسی حذف اعراب - که در طول تاریخ پدید آمده - دوباره در این خط تکرار نشود، چراکه خط عربی - که از آن به خط فارسی یاد می‌کنیم - در ابتدا بدون اعراب بوده است و کاتبان پس از مدتی به علت غلط خوانی متون، مجبور شدند دست‌کم در متون مهم همانند قرآن مجید - که درست خوانی در آن از اهمیت فراوانی برخوردار است - اعراب حروف را قرار دهند. اما از آنجایی که اعراب جزء حروف قرار نداشت، در نوشته‌های معمولی اعمال نمی‌گشت و واضح است که نبود اعراب، برابر است با غلط خوانی متون.

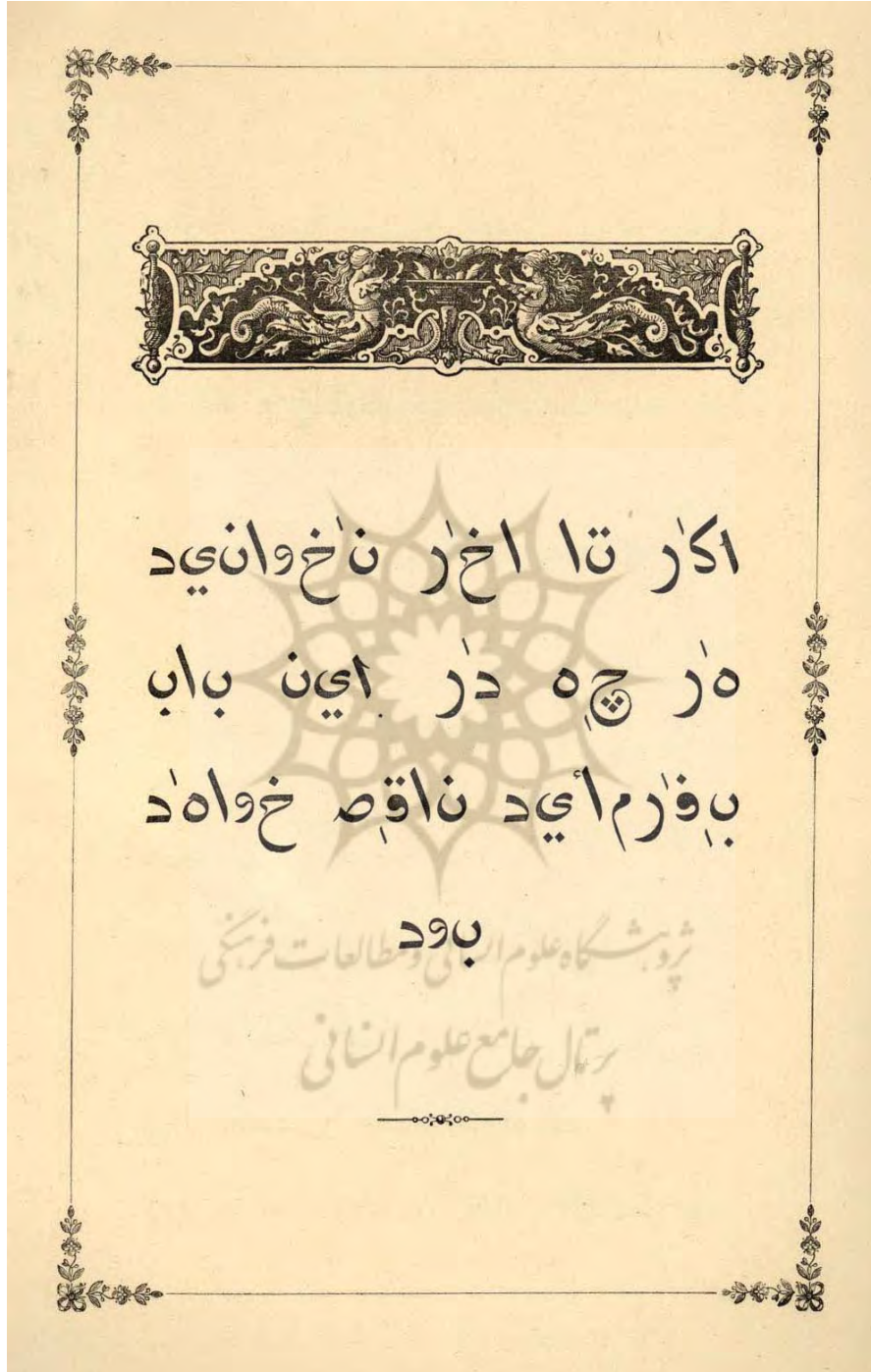
بنابراین در طراحی حروف جدید، باید حتماً شش مصوت زبان فارسی به صورت حروف مستقل طراحی شوند که این حروف در کنار حروف دیگر به کار برده شوند و به هیچ وجه حذف آنها ممکن نباشد. سوم اینکه در طراحی حروف فارسی، حذف حروف مشترک، بسیار الزامی است، چرا که یکی از مهم‌ترین معایب خط فارسی در املاء، وجود حروف مشترک است که نشان یک صدا است؛ همانند «ض ظ ز ذ» که ملکم خان به آن اشاره‌ای نداشته است.

از نوع برخورد او در متن همین کتاب پیداست که وی قصد داشته است، مسیر اصلاح و تغییر خط را پله

پله پیگیری نماید؛ بنابراین ابتدا برای او، مهم‌ترین اصلاح، همان اجرای جدانویسی و چند نکته ذکر شده دیگر در کتابش بوده است. شاید بعید نباشد که به رفع عیوب دیگر خط فارسی نیز توجه داشته، اما زمان اجرای آن را مناسب نمی‌دانسته است.

منابع

۱. آدمیت، فریدون، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، تهران، نشر سخن، ۱۳۴۰.
۲. استادی، کاظم، «اندیشه تغییر خط در ایران»، قم، آیین پژوهش، ۱۳۹۰.
۳. _____، دانشنامه خط فارسی، قم، مخطوط، ۱۳۹۰.
۴. _____، کتابشناسی خط فارسی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۹۰.
۵. _____، «گاهشمار خط فارسی»، پیام بهارستان، تهران، ۱۳۹۰.
۶. _____، «نسخه‌های خطی تغییر خط فارسی»، آیین پژوهش، قم، ۱۳۹۰.
۷. اصیل، حجت‌الله، زندگی و اندیشه میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله، تهران، نشر نی.
۸. اکبری، محمد علی، چالش‌های عصر مدرن در دوران قاجار (مجموعه مقالات)، تهران، ۱۳۸۴.
۹. بایبوردی، حسین، تاریخ پناهندگان ایران از خارج به ایران و از ایران به خارج، نشر وحید، تهران، ۱۳۴۹.
۱۰. پویان مهر، علی، «اعزام محصلین به اروپا در عهد احمد شاه قاجار»، پیام بهارستان، تهران، ۱۳۹۰.
۱۱. درایتی، مصطفی، فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۹۰.
۱۲. ذکاء، یحیی، در پیرامون تغییر خط فارسی، بی‌نا.
۱۳. رائین، اسماعیل، میرزا ملکم‌خان، زندگی و کوششهای سیاسی او، تهران، انتشارات صفی‌علیشاه، ۱۳۵۳.
۱۴. صادقی‌نیا، ابراهیم، فراماسونری و جمعیت‌های سری در ایران، تهران، هیرمند، ۱۳۷۳.
۱۵. محیط طباطبایی، محمد، مجموعه آثار میرزا ملکم خان، تهران، ۱۳۲۷.
۱۶. میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله، نمونه خطوط آدمیت، لندن، ۱۳۰۳ ق.
۱۷. ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد بن علی، تاریخ بیداری ایرانیان، ناظم‌الاسلام کرمانی، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، بنیاد فرهنگ ایران (جدید: امیر کبیر) تهران، ۱۳۴۶.
۱۸. هاشم‌زاده، کلیات ملکم، ج ۱، مطبعه مجلس، تهران، ۱۳۲۵.
۱۹. _____، روزنامه ق‌انون، به کوشش هما ناطق، نشر کویر، تهران، ۱۳۶۹.
۲۰. _____، دانشنامه آزاد (ویکی‌پدیا)، مدخل میرزا ملکم خان، بهمن ۱۳۹۰.



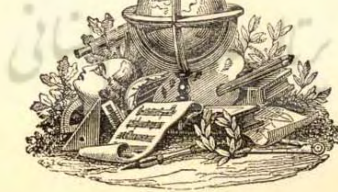
اگر واقعاً ابدءای ادمییت داریم باید
شہ و روز در ترقوی شاخص خود و
ملک خود و دولت خود ہکوشیم .

کُنہہ پرستی را باید منسوخ کرد .

باید ترقوی پرستہ شد

و باید این ترقوی را از الہ ہا شروع کرد .

پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی





اعلان

کُلستانِ شیخ ساءدی و چوند رسالہ
فارسی و عربی و ترکی عثمانی
۲ ہمین خطوط چاپ شدہ

ہرکس طالب و مشتہری انہا باشد
رجوع نامیاد

۲ اقا محمد طاہر
مڈیر، روزنامہ

اختر

در اسلام بول.